

رهبر انقلاب در پیامی

به سی‌وسومین اجلاس سراسری نماز تأکید کردند

نهاد بنده و فراگیر شدن نماز لازمه رسیدن به جامعه اسلامی

سی‌وسومین اجلاس سراسری نماز، صبح پنجشنبه با پیام رهبر انقلاب اسلامی در جوار حرم رضوی(ع) آغاز به کار کرد.

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای در پیام‌شان به این اجلاس، اقامه نماز را اولین ثمره و نشانه حکومت صالحان خواندند و با اشاره به اینکه لازمه رسیدن به مرحله جامعه اسلامی کردند: «خانواده‌ها، «معلمان و اساتید»، نجیبان، چهره‌های مشهور و دستگاه‌های فرهنگ‌ساز مسؤولیت مضاعفی برای اقامه نماز در جامعه دارند.

به گزارش «پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر رهبر انقلاب اسلامی» متن پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

توجه به امر والای «اقامه نماز» و به‌صورت خاص برگزاری اجلاس نماز، از جمله اقدامات ضروری و بایسته‌ای است که از ابتدای دهه ۷۰ در کشور به همت عالم مجاهد و مردمی، استاد قرآن و مبلغ زبردست حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی دامت‌بر کاته شکل گرفته است. اهتمام ویژه رهبر عظیم‌القدر شهید اعلی‌الله مقامه‌الشریف به این امر و توصیه‌های مهم، مستمر و مؤکد ایشان در پیام‌های مربوط به ۳۲ اجلاس گذشته نیز بر اهمیت این خط‌مشی می‌افزاید.

بی‌شک سخن گفتن یا نوشتن پیرامون نماز، در شأن و تراز وحی الهی و کلمات پیامبر اکرم صلی‌الله علیه آله و انمه معصومین علیهم‌الصلاه و السلام است و قلم امثال این‌جانب، کوچک‌تر از آن است که در باب عمق معارف نماز مطلبی بنگارَد اما هویت و اقتضانات جامعه اسلامی و وظایف خادمان آن خصوصا رهبری انقلاب اسلامی چنان ایجاب می‌کند که چند جمله‌ای از این جهت برای خُدم و آحاد مردم و مسؤولان مذکور شوم. نماز از جمله زیباترین نعمت‌های بزرگ حضرت حق جل‌وعلا، برترین نهاد و نماد و ستون دین، رشته اتصال هر یک از ما برای ارتباط نزدیک و مستقیم با منبع لایتناهی و لایزال الهی است. این اکسیر فلاح و رستگاری و رکن حیات طویه، هم پشتوانه مستحکم و مستمر و ذخیره تمام‌نشدنی انسان در مبارزه با شیطان نفس و شیطان‌های دنیوی است و هم چشمه جوشان عشق و امید و مهربانی و آرامش است و نزول برکات و فراوانی ارزاق الهی از ناحیه اقامه نماز و استغفار صورت گرفته و افزایش می‌یابد.

اما فرضیه نماز، تنها یک تکلیف فردی نیست و بنا بر آموزه قرآن، برپا داشتن نماز، اولین ثمره و نشانه حکومت صالحان است که «لَذِیْنَ اِنْ مَنَّاهُمْ فِی الْاَرْضِ اقَامُوا الصَّلَاةَ». بیان این آیه دقیقاً پس از آیه وعده نصرت الهی در مورد یاران خداوند متعال و جهاد آنها در سوره مبارکه حج نشان می‌دهد اقامه نماز به عنوان تکیه‌گاه مستحکم ذکر خدا و امید و اعتماد به او، نقش ویژه‌ای در جهاد و فتح و ظفر در میدان‌های مبارزه خصوصا میدان مبارزه‌ای که امروز پیش روی ملت ایران است، دارد.

امروز که شرط مُکنت و قدرت مردم عزیز ایران بیش از پیش فراهم شده است، یکایک ملت مبعوث، مخاطب این دستور مکرر الهی برای اقامه نماز هستند که «اقیموا الصَّلاة». علاوه بر این، همه اشخاص مؤثر در جامعه از پدران و مادران و خانواده‌ها تا معلمان و دوستان، از اساتید و نجیبان تا چهره‌های شناخته‌شده و افراد مشهور و نیز تمام نهادها و دستگاه‌های فرهنگ‌ساز از جمله مساجد، نمازهای جمعه، مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، صداوسیما، فعالان فرهنگی و اجتماعی و بسیج مردمی خصوصا آنهایی که با قشر نوجوان و جوان در ارتباط هستند، مسؤولیت مضاعف در این امر دارند. اقامه نماز در همه مراحل تکمیلی و سطوح تکاملی‌اش در پهنه جامعه و کشوری که پرچم اسلام ناب محمدی صلی‌الله علیه و آله را برافراشته و به حاکمیت اسلام مفتخر شده، در زمره اهم امور است و برای فراهم شدن زمینه طی طریق از مرحله نهضت و انقلاب اسلامی تا مرحله جامعه اسلامی، امری ضروری است و بعد از آن است که نیل به مرحله تمدن اسلامی میسور خواهد شد.

نهادینه شدن و فراگیر و همگانی شدن نماز و آنگاه تلاش عمومی برای نیکو به جا آوردن آن، ضلع اصلی خط تلاش برای وصول به این مهم است و آبادانی مساجد و سایر تمهیدات برای گسترش کمیت و ارتقای کیفیت صوری نمازهای جماعت و جمعه، مقدمات لازم برای دست یافتن به این مقصد مهم می‌باشد. در همه این موارد، نقش ائمه جماعات و جمعه که باید مأمن مردم و گوش شنوا و پذیرای درد دل‌های ایشان باشند، بسیار برجسته است.

امیدوارم با تفضلات الهی و توجه و دعای خاص سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، ملت و کشور عزیزمان در امر اقامه نماز و بهره‌مندی از فیوضات و برکات آن موفق و مؤید باشند.

سیدمجتبی‌حسینی‌خامنه‌ای
۹ مهر ۱۴۰۵

گروه سیاسی: بر اساس گزارش اولیه رسانه‌ها دیروز درگیری مسلحانه‌ای میان نیروهای نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عناصر یک گروهک تروریست در یکی از روستاهای شهرستان راسک سیستان و بلوچستان رخ داد.نیروهای نظامی و امنیتی پس از درگیری، عملیات پاکسازی منطقه و بررسی وضعیت را در دستور کار قرار دادند و بر اساس گزارش‌های اولیه، درگیری چند ساعت ادامه داشت و تعدادی از تروریست‌ها نیز به هلاکت رسیدند. تا لحظه تنظیم این گزارش، جزئیات نهایی درباره تعداد تلفات و هویت عناصر درگیر اعلام نشده بود.

تنها یک روز پیش از این درگیری، بامداد پنجشنبه ۹ مهر، افراد مسلح از سمت رودخانه به ایست بازرسی احمدآباد راسک تیراندازی کردند.نیروهای مستقر در ایست بازرسی به این حمله پاسخ دادند و مهاجمان تروریست عقب‌نشینی کردند.در جریان این حمله، گروهبان یکم علیرضاستچولی،از کارکنان فرماندهی انتظامی شهرستان راسک به شهادت رسید.

دامنه عملیات‌ها اما به راسک محدود نماند و صبح همان

روز، قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه پاسداران از شناسایی و

هدف قرار دادن یک تیم تروریست در منطقه منزل‌آب زاهدان

خبر داد؛ تیمی که بنا بر اعلام رسمی، قصد اجرای عملیات

تروریستی داشت.در این عملیات ۶ نفر از اعضای گروهک

تروریست تکفیری کشته شدند و تعدادی بسته انفجاری نیز

کشف و ضبط شد.

چند روز قبل‌تر نیز در منطقه جهادآباد شهرستان سراوان، نیروهای سپاه،اداره کل اطلاعات و فراجا در عملیاتی مشترک، باعضای یک گروهک تروریست درگیر شدند.بر اساس اطلاعیه قرارگاه قدس،در این عملیات ۵ تروریست به هلاکت رسیده و تعدادی نیز دستگیر شدند و سلاح و مهمات از مخفیگاه آنان به دست آمد.در جریان همین عملیات، یکی از رزمندگان قرارگاه قدس به شهادت رسید. مقامهای رسمی اعلام کردند این تیم قصد اجرای عملیات ترور در سراوان را داشته است.

این سلسله عملیات‌ها در شهرپورماه نیز وجود داشت. مثلا در روزهای پایانی شهریور، وزارت اطلاعات از انهدام ۳ هسته عملیاتی گروهک‌های تروریستی – تکفیری در جنوب شرق کشور خبر داد که طی آن ۳ تروریست کشته و ۹ نفر دستگیر شدند.پیش از آن نیز درگیری در منطقه بخشان سراوان به هلاکت شماری از اعضای گروهک و شهادت ۲ نیروی امنیتی، میثاق ثانی و مهدی سرحدی منجر شد بود.

در چنین شرایطی، آنچه تحولات روزهای اخیر در جنوب شرق را از یک سلسله عملیات امنیتی معمول فراتر می‌برد، نه صرفا تعداد درگیری‌ها،بلکه زمینه‌ای است که این حوادث در آن اتفاق می‌افتد. در فاصله‌ای کوتاه، چند تیم مسلح در نقاط مختلف جنوب شرق شناسایی یا با نیروهای امنیتی و نظامی درگیر شده‌اند.در برخی موارد، مقامات از کشف مواد منفجره و برنامه‌ریزی برای عملیات تروریستی سخن گفته‌اند و در موارد دیگر، حمله مستقیم به نیروهای انتظامی و ایست‌های بازرسی رخ داده است. روز گذشته روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: تروریست‌ها با کارگذاری بمب کنار درگاه اطلاعاتی در یکی از مسیرهای مواصلاتی استان سیستان و بلوچستان، اقدام به یک عملیات تروریستی دیگر کردند که در پی آن، یکی از رزمندگان اسلام به فیض عظیم شهادت نائل آمد. مشخصا گروهک‌های مسلح فعال در جنوب شرق بخشی از پروژه دشمن آمریکایی – صهیونی برای ناامن‌سازی کشور هستند.

ادامه از صفحه اول

مرشایمر در نوشته دیگری نیز هشدار داد حملات هوایی نه‌اینتا می‌تواند برنامه ایران را چند سال عقب بیندازد. در روایت او، کشوری که تصمیم گرفته باشد بمب اتم بسازد، ممکن است حتی زیر فشار حملات نیز به کار ادامه دهد. این موضع الزاما فراخوانی برای ساخت سلاح هسته‌ای نیست اما آشکارا بر ارزش بازدارندگی آن تأکید می‌کند.

در سال‌های گذشته، او حتی درباره اوکراین استدلال کرده بود کنار گذاشتن بازدارندگی هسته‌ای می‌تواند کشور را در برابر تجاوز آسیب‌پذیر کند.این چارچوب نظر، پس از حملات ایران، معنای تازه‌ای پیدا کرد: اگر تصمیم‌های سیاسی و توقاف‌های بین‌المللی قابل بازگشت باشد، سلاح هسته‌ای از نگاه برخی دولت‌ها تنها تضمین دائم به نظر می‌رسد.

از این منظر، مساله فقط ایران نیست،اگر سایر دولت‌ها بپیندد یک کشور با برنامه هسته‌ای محدود هدف حمله قرار می‌گیرد اما کشورهایی که سلاح هسته‌ای دارند با احتیاط بیشتری مورد برخورد قرار می‌گیرند،انگیزه برای نزدیک شدن به آستانه هسته‌ای افزایش می‌یابد. نتیجه می‌تواند گسترش جهانی این برداشت باشد که «داشتن بمب اتم خطرناک اما نداشتنش خطرناک‌تر است».

(**ث** **ترامپ،بازنده راهبردی**

رئیس دولت تروریست آمریکا ممکن است در میدان جنگ دستاوردهایی به دست آورده باشد: تأسیسات تخریب شده‌اند، ظرفیت تولید کاهش یافته و زیرساخت‌های نظامی ایران آسیب دیده اما امنیت ملی تنها با شمار اهداف منهدم‌شده سنجیده نمی‌شود. پرسش تعیین‌کننده این است: تصمیم‌گیرندگان در ایران اکنون چه نتیجه‌ای از این جنگ می‌گیرند؟

اگر نتیجه این باشد که مذاکره، توافق و شفافیت نمی‌تواند مانع حمله شود، استدلال ساخت بمب اتم قدرت بیشتری می‌گیرد. اگر نتیجه این باشد که حتی یک برنامه صلح‌آمیز و تحت نظارت نیز می‌تواند بهانه حمله شود، انگیزه برای خروج از نظارت و حرکت به سوی اِپام راهبردی بیشتر خواهد شد.

در این معنا، حملات ترامپ ممکن است یک دستاورد کوتاهمدت عملیاتی و یک شکست راهبردی باشد: برنامه هسته‌ای ایران را برای مدتی عقب بزند اما ایده ضرورت داشتن سلاح هسته‌ای را در ذهن ایرانیان جلو بیندازد. هیچ‌یک از کارشناسان نمی‌گویند ساخت بمب اتم تصمیمی بی‌خطر است. حتی کسانی که از ارزش بازدارندگی آن سخن می‌گویند، می‌دانند اقدامی می‌تواند تحریک‌های شدیدتر، مسابقه تسلیحاتی منطقه‌ای و خطر جنگی بزرگ‌تر را به دنبال داشته باشد اما سیاست خارجی بر اساس خطرهای موجود شکل

سرکوب تروریست‌ها در جنوب شرق کشور؛ تعدادی از تروریست‌ها به هلاکت رسیدند

حمله به پلن B آمریکا



پس از تجربه جنگ اخیر و بن‌بست راهبردی ایالات متحده در مقابله با ایران، بحث درباره ایجاد فشار از درون ایران بار دیگر در محافل سیاسی و رسانه‌ای غرب مطرح شد. اگر هدف در مرحله نخست، تغییر معادلات و محاسبات ایران از طریق فشار نظامی و حملات مستقیم بود، اکنون در برخی تحلیل‌ها و اظهارنظرها، موضوع فعال شدن شکاف‌های داخلی، بروز اغتشاشات و فعالیت گروه‌های مسلح پیرامونی نیز دیده می‌شود. این مساله را می‌توان در مقاله‌ای که چند روز قبل در واشنگتن‌پست منتشر شد، به‌وضوح مشاهده کرد. «متیو گلد» سفیر سابق انگلیس در سرزمین اشغالی و معاون سابق سفیر آن کشور در ایران، در مقاله‌ای با عنوان «برای سرنگونی حکومت ایران چه چیزی لازم است؟» بررسی کرد چه شرایطی می‌تواند زمینه‌ساز تغییر سیاسی در ایران شود. گلد در این مقاله از ضرورت شکل‌گیری دوباره اغتشاشات گسترده، استمرار آنها و ایجاد امکان سازماندهی در شرایط قطع اینترنت نوشت.

نکته مهم‌تر مقاله واشنگتن‌پست اما بخشی است که در آن نویسنده درباره پیامدهای احتمالی ایجاد خلأ قدرت در ایران هشدار می‌دهد. گلد تصریح می‌کند در صورت وقوع چنین وضعیتی، یکی از سناریوهای محتمل می‌تواند تقویت گروه‌های جدایی‌طلب در حاشیه ایران باشد؛ از کرها در شمال غرب تا بلوچ‌ها در جنوب شرق.

این بخش از مقاله از آن جهت قابل توجه است که نشان می‌دهد در محافل غرب، مساله گروهک‌های قومی تروریست پیرامون ایران صرفا به عنوان یک موضوع امنیتی داخلی دیده نمی‌شود، بلکه در سناریوهای مربوط به آینده سیاسی ایران نیز جایگاهی پیدا کرده است. به بیان دیگر، در این نگاه، فشار برای تغییر سیاسی و براندازی جمهوری اسلامی تنها به آشوب‌های خیابانی محدود نمی‌ماند و محیط پیرامونی ایران و گروهک‌های مسلح مستقر در مناطق مرزی نیز می‌تواند در معادلات پس از ایجاد خلأ قدرت، نقش پیدا کنند.

می‌گیرد، نه بر اساس گزینه‌های بی‌خطر.

تناقض سیاست ترامپ این است که شاید پاسخ ایران هرچه باشد، حمله نظامی آن را به سمت گزینهای سوق داده که واشنگتن بیش از همه از آن می‌ترسید.
چه ج کشورهایی به گزینه هسته‌ای فکر می‌کنند؟

حملات آمریکا و رژیم به ایران فقط محاسبات تهران را تغییر نداد. در پایتخت‌های دیگری نیز این پرسش با صدای بلندتری مطرح می‌شود: تکیه بر تضمین‌های امنیتی آمریکا در لحظه بحران، کافی خواهد بود؟ با این حال، میان «بحث درباره بازدارندگی»، «دستیابی به ظرفیت صنعتی لازم برای ساخت بمب اتم» و «تصمیم سیاسی برای تولید سلاح هسته‌ای» تفاوتی اساسی وجود دارد.

۱- عربستان: روشن‌ترین نمونه غرب آسیا

عربستان سعودی صریح‌ترین موضع را در میان کشورهای غیرهسته‌ای منطقه مطرح کرده‌است. محمد بن‌سلمان، ولیعهد سعودی سال ۲۰۱۸ گفته بود اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد، ریاض نیز «یابد» چنین مسیری را دنبال کند. این تهدید تاکنون به معنای وجود یک برنامه نظامی اعلام‌شده نبوده‌است اما نشان می‌دهد مقامات سعودی سلاح هسته‌ای را از نظر سیاسی ناممکن نمی‌دانند. نگرانی اصلی اکنون بر سر غنی‌سازی اورانیوم در خاک عربستان است. وزیر انرژی آن کشور سال ۲۰۲۳ گفت ریاض می‌خواهد چرخه کامل سوخت هسته‌ای را در اختیار داشته باشد؛ عبارتی که حتی اگر در چارچوب برنامه غیرنظامی بیان شده باشد، از نظر کارشناسان منع اشاعه اهمیت زیادی دارد. اندیشکده کینگز کالج لندن این تلاش را بخشی از راهبردی برای ایجاد «ظرفیت نهفته هسته‌ای» دانسته‌است؛ یعنی توانایی نزدیک شدن به ساخت بمب اتم، بدون اعلام رسمی خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای.

سال ۲۰۲۶ نیز توافق هسته‌ای واشنگتن و ریاض نگرانی‌ها را بیشتر کرد. انجمن کنترل تسلیحات هشدار داد فراهم شدن مسیر احتمالی برای غنی‌سازی در عربستان می‌تواند خطر آن را افزایش دهد. که کشورهای بیشتری به دنبال ایجاد ظرفیت غنی‌سازی و بازفراوری باشند. در اینجا تناقضی که منتقدان سیاست ترامپ به آن اشاره می‌کنند آشکار می‌شود: آمریکا از یک سو ایران را به دلیل ظرفیت غنی‌سازی هدف حمله قرار می‌دهد و از سوی دیگر درباره انتقال فناوری مشابه به عربستان مذاکره می‌کند. برای کشورهای منطقه، این پیام ممکن است چنین تعبیر شود که مساله فقط «داشتن توانایی» نیست، مساله این است که چه دولتی آن توانایی را در اختیار دارد و تا چه اندازه به واشنگتن نزدیک است.

■ بازگشت به نسخه‌ای که یک بار امتحان شد

این رویکرد به طور مشخص یادآور مسیری است که در آغاز جنگ اخیر نیز از سوی واشنگتن و تل‌آویو دنبال شد. در روزهای نخست حملات آمریکا و رژیم به ایران، رئیس‌جمهور تروریست آمریکا و نخست‌وزیر جنایتکار رژیم بارها مردم ایران را خطاب قرار دادند و از آنها خواستند در کنار عملیات نظامی آنها وارد میدان جنگ داخلی شوند.

مثلا ترامپ در یکی از پیام‌های خود خواست مردم دست به آشوب بزنند و نهادهای کشور را در اختیار بگیرند و در سخنرانی دیگری، همزمان با آغاز حملات آمریکا و رژیم اشغالگر گفت پس از پایان عملیات، مردم ایران دولت خود را در اختیار خواهند گرفت.او در همان مقطع از این موقعیت به عنوان فرصتی تاریخی یاد کرد. متیو گلد نیز در مقاله واشنگتن‌پست همین اظهارات را در کنار یکدیگر قرار داده و آنها را بخشی از تلاش ترامپ برای تشویق مردم ایران به اقدام علیه نظام سیاسی توصیف کرده‌است، نتایج‌هاو نیز در جریان جنگ، پیام‌های مستقیمی خطاب به مردم ایران منتشر می‌کرد و از آنان می‌خواست منتظر تحولات باشند. در مجموع، یکی از عناصر مهم جنگ تبلیغاتی آن دوره، تلاش برای ایجاد این تصور بود که عملیات نظامی خارجی می‌تواند با یک حرکت داخلی تکمیل شود. اما روند تحولات نشان داد محاسبات ابتدایی واشنگتن و تل‌آویو درباره مردم ایران، از اساس اشتباه بوده‌است؛ چه آنکه اکنون بیش از ۲۱۵ شب‌است مردم ایران در حمایت و پشتیبانی از جمهوری اسلامی به خیابان‌ها می‌ایند.

ماه‌ها پس از آغاز جنگ، بازگشت دوباره به تصاویر کودتای دی ماه سال قبل از سوی رئیس دولت آمریکا نیز قابل توجه است. دونالد ترامپ روز پنجشنبه ۹ مهر ویدئویی از اغتشاشات تروریستی دی ماه ایران را در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی تروئیت منتشر کرد. این اقدام را می‌توان در کنار مواضع قبلی ترامپ و فضای جدید مربوط به بحث درباره ایران قرار داد.

جهان اتمی‌تر شد

۲- کره جنوبی: افکار عمومی جلوتر از دولت

کره جنوبی هنوز برنامه رسمی برای ساخت سلاح هسته‌ای ندارد و دولت آن کشور بر اتحاد با آمریکا و چتر هسته‌ای واشنگتن تکیه می‌کند اما فشار افکار عمومی برای دستیابی مستقل به بمب اتم افزایش یافته‌است.

بر اساس نظرسنجی سال ۲۰۲۵ مؤسسه آسن، ۷۶٫۲ درصد مردم کره جنوبی از دستیابی کشورشان به توانایی هسته‌ای بومی حمایت کردند؛ بالاترین رقم ثبت‌شده در این نظرسنجی. همزمان اعتماد به اینکه آمریکا در صورت حمله برای دفاع از کره جنوبی از سلاح هسته‌ای استفاده خواهد کرد، کاهش یافته‌است. این ارقام به‌تنهایی به معنای تصمیم مسئول برای ساخت بمب اتم نیست. کره جنوبی همچنان با هزینه‌های دیپلماتیک، حقوقی و امنیتی چنین اقدامی روبه‌رو خواهد شد اما پیام سیاسی نظرسنجی روشن است: در جامعه‌ای که در برابر کره شمالی هسته‌ای و چین مجهز به سلاح هسته‌ای زندگی می‌کند، اتکا به تضمین‌های آمریکا دیگر برای همه شهروندان اطمینان‌بخش نیست.

حملات به ایران می‌تواند این نگرانی را تشدید کند. اگر کشوری که از ساخت سلاح خودداری کرده، باز هم هدف تهدید یا حمله قرار گیرد، منتقدان چتر هسته‌ای آمریکا در سئول می‌توانند استدلال کنند تضمین خارجی، جایگزین قابل اعتمادی برای توانایی ملی نیست.

۳- ژاپن: شکستن تابوی پساچنگ

ژاپن از نظر فنی یکی از نزدیک‌ترین کشورهای جهان به یک ظرفیت بالقوه هسته‌ای است اما از نظر سیاسی و تاریخی همچنان به ۳ اصل غیرهسته‌ای خود – نداشتن، تولید نکردن و نپذیرفتن سلاح هسته‌ای – پایبند است. دولت توکیو نیز بارها تأکید کرده این اصول تغییر نکرده‌اند.

با این حال، تابوی بحث درباره سلاح هسته‌ای در ژاپن دیگر به سختی گذشته نیست. سال ۲۰۲۵ برخی نامزدهای انتخاباتی درباره «اشتراک هسته‌ای» با آمریکا و حتی امکان بازنگری در سیاست‌های غیرهسته‌ای سخن گفتند. دفتر نخست‌وزیری ژاپن نیز در پاسخ به پرسش‌های خبرنگاران تأیید کرد این موضوع وارد بحث سیاسی شده، هرچند دولت رسما با مسلح شدن هسته‌ای ژاپن مخالفت می‌کند. ژوئیه ۲۰۲۶ وزیر دفاع ژاپن خواستار شکستن تابوی بحث هسته‌ای شد و نخست‌وزیر نیز آمادگی خود را برای بررسی اصول غیرهسته‌ای در پارلمان اعلام کرد؛ اقدامی که نشان می‌دهد بحث از حاشیه سیاست به مسائل فکری شده‌است.

برای ژاپن، تهدید کره شمالی، قدرت هسته‌ای چین و نگرانی از آینده تعهدات آمریکا همگی در این محاسبه نقش دارند. حمله

بازنشر تصاویر اغتشاشات، آن هم در شرایطی که همزمان در جنوب شرق کشور چندین عملیات و درگیری با گروهک‌های مسلح رخ داده، نشان می‌دهد مساله جنگ داخلی در ایران همچنان مورد توجه ایالات متحده برای به زانو درآوردن کشورمان است. در همین حال، اقدام نظامی نیز کاملا از دستور کار کنار نرفته‌است. واشنگتن‌پست اول اکتبر/ ۹ مهر گزارش داد ارتش آمریکا در حال بررسی امکان اعزام گسترده نیروهای دریایی و هوایی بیشتر به منطقه در صورت بروز مجدد درگیری با ایران است. ترامپ نیز در مصاحبه‌ای که اول اکتبر منتشر شد، در پاسخ به این پرسش که آیا امکان از سرگیری بمباران گسترده ایران پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا وجود دارد، پاسخ داد: «ممکن است».

در چنین بستری، تحولات جنوب شرق کشور اهمیت مضاعف می‌یابد. این منطقه در سال‌های گذشته نیز یکی از کانون‌های فعالیت گروهک‌های تروریست تکفیری بوده و عملیات‌های امنیتی در آن سابقه دارد. تداوم فعالیت گروهک‌های مسلح، حمله به نیروهای انتظامی، کشف مواد منفجره و اجرای عملیات‌های بی‌دربی علیه هسته‌های تروریستی نشان می‌دهد امنیت جنوب شرق همچنان یکی از میدان‌های مهم تقابل جمهوری اسلامی با گروهک‌هایی است که مشخصا از سیا و موساد خط می‌گیرند.

از سوی دیگر، تجربه جنگ اخیر نیز یک متغیر مهم را به این معادله اضافه کرد: جامعه ایران اکنون تجربه مستقیمی از حملات تجاوزکارانه آمریکا، تبعات آن و نحوه پیوند خوردن فشار نظامی و جنگ روانی دارد. در جریان جنگ، تلاش برای پیوند زدن حملات خارجی با آشوب و جنگ داخلی به نتیجه‌ای که طراحان آن انتظار داشتند منجر نشد. اکنون نیز هرگونه تلاش برای فعال کردن دوباره آشوب‌های خیابانی و استفاده از ظرفیت گروهک‌های تروریست، در شرایطی است که جامعه تجربه‌ای متفاوت از چند ماه قبل دارد.

ایران این پرسش را در ژاپن هم تقویت کرده که آیا کشوری می‌تواند به توافقی که تضمین‌های قدرت‌های بزرگ اعتماد کند یا باید توانایی بازدارندگی خود را مستقل‌تر کند.

۴- آلمان و اروپا: بمب آلمانی یا چتر هسته‌ای اروپایی؟

برلین در حال حاضر نشانه‌ای علنی از تصمیم برای ساخت بمب اتم نشان نداده اما بحث در آلمان درباره دسترسی بیشتر به بازدارندگی فرانسه و بریتانیا با ایجاد نوعی چتر هسته‌ای اروپایی داغ است. در این میان ایده تولید مستقل بمب اتم آلمان هم در برخی محافل ژرمن‌ها مطرح است.

فردریش مرتس پیش از رسیدن به صدراعظمی گفته بود آلمان باید با فرانسه و بریتانیا درباره این موضوع گفت‌وگو کند که آیا حمایت هسته‌ای آنها می‌تواند به آلمان نیز گسترش یابد. مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی این اظهارات را نشانه‌ای از افزایش نگرانی اروپا درباره اعتبار تعهد آمریکا دانست.

مؤسسه بروکینگز نیز نوشت جنگ روسیه علیه اوکراین و تردید درباره آینده نقش آمریکا در سال ۲۰۲۵ بحث درباره یک بازدارندگی مستقل اروپایی را تقویت کرد؛ بحثی که در آلمان، لهستان و کشورهای بالتیک دنبال شد. هرچند این تحول را نباید با تصمیم آلمان برای ساخت سلاح هسته‌ای یکی دانست اما آنچه تغییر کرده، بیشتر این باور است که اروپا باید در برابر تهدیدهای بزرگ، از جمله تهدید هسته‌ای روسیه، گزینهای مستقل‌تر از ضمانت‌های واشنگتن داشته باشد. از این زاویه، حملات ترامپ به ایران به بحثی دامن می‌زند که پیش‌تر با جنگ اوکراین آغاز شده‌بود؛ اگر آمریکادر آینده حاضر نباشد هزینه‌امنیت متحدانش را بپردازد، آیا اروپا باید به توان هسته‌ای فرانسه و بریتانیا تکیه یا ساختار امنیتی تازه‌ای ایجاد کند؟

۵- لهستان: نزدیکی به بازدارندگی

لهستان از کشورهایی است که بحث هسته‌ای در آن در سال‌های اخیر جدی‌تر شده‌است. مقام‌های آن کشور درباره مشارکت بیشتر در ترتیبات بازدارندگی ناتو و استقرار سلاح‌های هسته‌ای آمریکا در اروپا از علاقه کردند. سال ۲۰۲۶ لهستان و لیتوانی درباره نقش گسترده‌تر اروپا در بازدارندگی هسته‌ای گفت‌وگو کردند. در اینجا نیز تفاوت میان «هم‌زیایی با مشارکت در سازوکار ناتو» و «ساخت سلاح ملی» اهمیت دارد. ورشو تاکنون برنامه‌ای رسمی برای تولید بمب اتم اعلام نکرده اما جنگ روسیه علیه اوکراین، این تصور را تقویت کرده که کشورهای خط مقدم اروپا نمی‌توانند امنیت خود را تنها به وعده‌های سیاسی وابسته کنند. حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران فقط محاسبات تهران را تغییر نداده و نمی‌دهد، در پایتخت‌های دیگری نیز این پرسش با صدای بلندتری مطرح می‌شود: تکیه بر تضمین‌های امنیتی، در لحظه بحران، کافی خواهد بود؟